

بازار



نگاهی به چالش های انتخاب فیلم ایرانی برای مراسم اسکار

روی دیوار اسکار یادگاری ننویسیم!

پیمان خزلی و فرزانه کریمیان در گفت و گو با «جام جم»:

«سینما پازل» هویت نوجوانان را می چیند

«به نام خدا، من عرفان بی طرف هستم و اینجا «سینما هویت» است و امروز هم قرار است با هم یک فیلم جذاب را تماشا و راجع به آن گفت و گو کنیم.»

سبک زندگی

«جام جم» بررسی می کند

میدان داری میکروسلبیته ها

در اینستاگرام

لابه لای زرق و برق رو به فرونی دنیای مجازی یک عده دارند روز به روز بزرگ تر می شوند. اینها را باز دیدهای ما، لایک هایی که می زنیم و میدانی که ندانسته برایشان باز می کنیم ساخته است. در جهان شلوغ پلوع مجازی، اسم این افراد را گذاشته اند میکروسلبیته یعنی سلبیته های کوچک. ولی وقتی در کار و بارشان باریک می شویم، نه تنها کوچک نیستند حتی گوی سبقت را از نظر مخاطبان بالقوه، کامنت، تعداد پست ها و صفحات از سلبیته های حقیقی ربوده اند.



گفت و گو با مسعود نجفی کارگردان

«قاب عاشقی» بر بال نسیم



گفت و گو با احسان مشکور کارگردان مستند «عملیات دماوند»

سعی کردیم منصف باشیم



گفت و گو با آرزینا ترکاشوند بازیگر مجموعه «ماه چراغ»

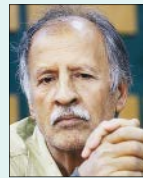
در کمین قهرمانان زن تاریخ ایران

دوشنبه نوشته ها

فیلم های اقتباسی و سینمای دفاع مقدس

سه گام به پیش، دو گام به پس

۲۷ شهریور را به نام استاد شهریار، روز شعر و ادب فارسی نام نهاده اند و پنجشنبه پیش رو آغاز هفته دفاع مقدس است. طرح و بحث درباره فیلم های اقتباسی و اساسا اقتباس در سینما بیانه ای ضروری و مناسب است تا به این مقوله جدی و مهم بپردازیم. اقتباس از متون و منابع مختلف مکتوب، همواره مورد اهتمام فیلمسازان بوده است. سینمای غالب جهان در این زمینه دست پری دارد، کمالین که هر ساله در مهم ترین رویداد سینمایی یعنی مراسم اسکار ضمن اختصاص بخشی به این مهم، اثری معرفی و در اکران جهانی نیز فیلم های اقتباسی جایگاه برجسته ای دارد. مرور تاریخ سینمای جهان از دوره اول به بعد تا دوره تسلط سینمای کلاسیک تا امروز، اقتباس از متن های مشهور و مردم پسند دستمایه فیلمسازان قرار گرفته است. نگاهی به فهرست آثار برجسته سینمایی نشان می دهد فیلم های اقتباسی رتبه بالایی در جدول بهترین ها و ماندگارها دارند. اما در سینمای ایران (قبل و پس از انقلاب) به نسبت کمیت تولید و داشتن حجم قابل توجهی از منبع ادبی و غیره، اقتباس چندان محلی از اعراب نداشته است. البته سینمای قبل از انقلاب در گرایش فیلمسازی (و روشنگری) کمیت فیلم های اقتباسی بر رنگ تری داشته است. رویکردی که در دوران پس از انقلاب معکوس می شود و گرایش غالب آثار اقتباسی در دست جریان روشنگری می افتد و فیلم هایی بر اساس متون بیگانه و با نگاه به مخاطب خاص شکل می گیرد.



محمد تقی فهیم نویسنده و منتقد سینما

مثلا اقتباس در سینمای قدیم در سال ۱۳۱۳ با فیلم «فردوسی» به مناسبت هزارمین سال تولد فردوسی کلید زده می شود و همین روند ادامه می یابد، از جمله با آثاری شامل لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد، بیژن و منیژه، امیر ارسلان، رستم و سهراب، عباسه و جعفر برمکی، سمک عیار تا امثال بت شکن، عروس فرنگی، گوهر شب چراغ و تعداد زیاد دیگری که اگرچه با نگاهی سطحی و ضعیف پرداخت شده و حضور دیگرن، جنوب شهر، داش اکل، خاک، گاو، چشمه، تنگسیر، شازده احتجاب، خانه قمر خانم اواسط دهه ۴۰ به بعد، نوع دیگری از اقتباس وارد چرخه تولید می شود. پشتیبانی وزارت فرهنگ وقت تا تل فیلم و کانون پرورش فکری، بانی ساخت و عرضه فیلم های شبه روشنگری می شوند که البته بعضا فیلم های مستقل هم در این میان به چشم می خورد مثلا پستیچی، تیلی، شوهر آهو خانم، آرامش در حضور دیگرن، جنوب شهر، داش اکل، خاک، گاو، چشمه، تنگسیر، شازده احتجاب، خانه قمر خانم و... که این سبک و سیاق خودش را به سینمای پس از انقلاب هم تحمیل می کند.

اتفاقی که پس از انقلاب می افتد این که ابتدا با رویکرد معناگرای و دینی اقتباس شکل می گیرد، نمونه هایی که قبل از انقلاب وجود نداشت، یعنی به جز فیلم مبتذل «خردجال» اثر دیگری در سینمای قبل انقلاب ساخته نشده بود، اما پس از انقلاب ابتدا محمد رضا اعلامی، محسن مخملباف و فرج... سلحشور مبادرت به اقتباس های متناسب با جو فضای حاکم کردند ولی در ادامه روند اقتباس به سمت متن های خارجی و خصوصا با گرایش روشنفکرانه ادامه پیدا کرد.

بیشترین فیلم های اقتباسی پس از انقلاب توسط داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی، کیومرث پوراحمد، کیانوش عیاری، پدا... صمدی، محمد علی طالبی، بهرام بیضایی (همه از نوشته های خودش) و... انجام شده است که تا بعدی هایی مانند بهروز افخمی و بهرام توکلی هم این گرایش خودنمایی می کند. خلاصه این که اقتباس پس از انقلاب به جز معدودی، کلیش ضامن توجه به متن های خارجی، مخاطب عام را هیچ می انگارد. از همین رو آثار ریش شکست خورده محسوب می شوند. این اتفاق در حالی رخ می دهد که تاریخ کشورمان آکنده از متن های قدرتمند ادبی تا افسانه های متنوع فولکلوریک و منظومه های رمانتیک و قهرمانان اساطیری و غیره است، اما سینمای ایران کمترین التفات را به این متن ها داشته، همچنان که سینمای دفاع مقدس با وجود منابع زیاد و خاطرات فراوان مکتوب شده، از این دستمایه ها حداقل بهره را برده است.

در حالی سینمای جنگ، بیگانه با منابع مکتوب جنگی است که زائر دفاع مقدس محصول پس از انقلاب است. در واقع سینمای ایران با گونه جنگی سه گام به پیش حرکت کرده اما در زمینه اقتباس دوگام عقب است.

این مطلب را هفته آینده با بررسی اقتباس در سینمای دفاع مقدس ادامه خواهیم داد.

رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در گفت و گو با «جام جم»:

شهرداری باید به مسأله بساط گستران کتاب ورود کند



هومان حسن پور، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران می گوید: بساط گستران در حال از بین بردن کتابفروشی ها و ناشران هستند و متأسفانه به این مسأله توجهی نمی شود. او با تأکید بر این که این افراد دستفروش نیستند، یادآور می شود: یک تعریف غلطی رایج شده که یک سری افراد ناتوان برای کسب درآمد به فروش کتاب مشغول هستند، در صورتی که چنین چیزی نیست. در راسته های مطرحی مانند خیابان انقلاب شاید چند نفر به این شکل کار کنند و یکی دو جلد کتاب دست شان بگیرند، اینها همان دستفروشان هستند اما مابقی بساط گستران که به صورت سیستمی فعالیت می کنند و در هر جایی از جمله مترو، ایستگاه قطار، بیمارستان و فرودگاه ها حضور دارند. خب این چه دستفروشی است که این قدر قدرتمند است؟



صابا کریمی گروه فرهنگ و هنر

بازاره دارد و از هر نظر که حساب کنید، شرعا و عرفا یکی از مبادی رفت و آمد مردم است اما می بینیم که بساط گستران خیلی راحت بساط خودشان را پهن کرده اند در حالی که در همان خیابان کتابفروشی هم هست با این تفاوت که او مجبور است همه قوانین را رعایت کند و کتاب استاندارد و کیفی به دست مشتری بدهد اما بساط گستر نه! چرا با چنین معضلی برخورد نمی شود؟ آیا ما کوتاهی کرده ایم؟ اگر کوتاهی از ما بوده، پس چطور توانستیم یک تا دو میلیون نسخه کتاب قاچاق را جمع آوری کنیم!

مسیر پیچیده و توقف کار

وی می گوید: نکته اینجاست که هر بار وارد این ماجرا شدیم، آن قدر مسیر پیچیده ای طی کردیم که یک از یک جایی کار متوقف شد. در حالی که حل این مسأله تخصص شهرداری است؛ این چیزی است که تمام دستگاه هایی که به آنها مراجعه کردیم از جمله قوه قضاییه به ما گفتند باید شهرداری ورود کند. البته در سال جاری و به مناسبت هفته کتاب، دیداری با اعضای شورای شهر داشتیم و آنها هم مصرا نه در پی حل این مسأله بودند، مانیز همچنان منتظریم. همین امروز اگر این مسأله حل شود، وضعیت کتابفروشان بهتر شده، کارشان رونق پیدا می کند؛ حتی چندین کتابفروشی دیگر هم افتتاح می شود، در ادامه ویتترین پیدا می کنیم و مشکل توزیع حل خواهد شد.



تخفیف بالای کتاب از کجا آب می خورد؟

این مسأله کاملا روشن است؛ کسی که دست به چنین ترفندی می زند در واقع به جای این که هزینه مولف، مترجم و ویراستار بدهد، یک جوانی را پیدا می کند و یک کتاب پر فروش به او می دهد. او هم مقداری تغییرات جزئی در آن لحاظ می کند و سپس کتاب را می فروشد. حتی بعضی ها این زحمت را هم به خود نمی دهند و کتاب را اسکن می کنند تا هزینه تولید محتوا و ناشر ندهند. حالا نکته جالب اینجاست که کتابفروشی حاضر است کتاب را با ۲۰ درصد تخفیف از توزیع کننده بخرد اما آن را با تخفیف ۸۰ درصدی از این افراد نخرد، زیرا به خوبی می داند که

این کتاب، جنسیت و اهلیت ندارد و این نکته بسیار مهمی است. باید روی این معضل مانور بدهیم که مردم هم مطلع شوند و بدانند اگر به نویسنده ای علاقه مندند اما سراغ کتاب اصلی نمی روند، در واقع با این کار به مولف صدمه می زنند.

مخاطب ناآگاه این ۵۰ درصد تخفیف را می بیند، نظرش را جلب می کند و دیگر فکر نمی کند این کتاب نه تنها نسخه اصلی نیست که با آن تفاوت های چشمگیری هم دارد. این مسأله من را یاد و انتی هایی می اندازد که روی اجناس شان قیمت درشت درج می کنند اما وقتی نزدیک آنها می شوید، می بینید که روی تابلو نوشته اند «نیم کیلو»، در حالی که بساط گستران همین نیم کیلو را هم نمی نویسند!

از تنزل سلیقه مخاطب تا قلمی که به زمین گذاشته می شود

رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران به تشریح عواقب این معضل می پردازد و می افزاید: در چنین شرایطی از یک طرف سطح ذائقه ادبیات مخاطب مبتذل می شود و از سویی دیگر سطح ادبیات کشور پایین می آید. کتاب های ناشر و مولف واقعی در این میان می ماند و نویسندگان هم از فروش این کتاب ها انتفاعی نمی برند و کم کم قلم های شان از زمین می گذارند، ذائقه فرهنگی در طولانی مدت عوض می شود، در نهایت نویسنده دیگر اثر جدید تولید نمی کند و طی دهه ها نیز جامعه، نویسنده ای به نسل های بعدی نمی دهد. شما تصور کنید زمانی که این معضلات وجود نداشت، ما هر از چندگاهی کتاب نویسنده، ناشر، ویراستار و مترجم شاخص تحویل جامعه فرهنگی کشور می دادیم اما الان چند وقت است که این شاخص ها را نداریم؟ «صرف نظر از ناشران، توزیع کنندگان و کتابفروشان، توجه به فرهنگ کشور حراست از آن، وظیفه حاکمیت است.»

این را حسن پوری گوید و هشدار می دهد: فرهنگ توسط افرادی در حال تخریب است که کاملا قابل شناسایی و مشخص هستند ولی متأسفانه صورت مسأله را پاک می کنیم و راه حل ها در این حد است که ناشر کتاب خریداری کنیم تا فشار مالی آنها کم شود در حالی که قدم اول، جمع کردن همین بساط گستران است.

وی تأکید می کند: ما از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دست اندکاران فضای مجازی بارها درخواست کردیم جلوی این وضعیت را بگیرند. راهکارهای زیادی هم ارائه کرده ایم، نمونه اش این که به بساط گستران در مترو مجوز دهند و آنها هم موظف باشند طبق قواعد و در زمان های مشخص تخفیف اعمال کنند و از طرفی دیگر اجازه ندارند هر کتابی را بفروشند اما دوستان در مقابل با یک راهکار دیگر پیشنهاد کردند که بساط گستران را در یک خیابان تجمع کنیم! خب چه فرقی می کند که در یک خیابان باشند یا چند خیابان؟ اصل معضل باید حل شود.